

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 103

Persian (M A)

Topic: Bozorg Alavi

سید مجتبی آقا بزرگ علوی شهرت یافته به آقا بزرگ علوی و بزرگ علوی نویسنده واقع گرا، سیاست مدار چپ گرا، روزنامه نگار نوگرا و استاد زبان فارسی ایرانی بود. بزرگ علوی در ۱۳ بهمن ماه ۱۲۸۲ (دوم فوریه ۱۹۰۴) در تهران متولد شد. پدر او حاج سید ابوالحسن و پدر بزرگش حاج سید محمد صراف نماینده نخستین دوره مجلس شورای ملی بود. مادر وی نوه آیت الله طباطبایی بود. سید ابوالحسن علوی و همسرش خدیجه قمرالسادات که از طرفداران مشروطیت بودند دارای سه دختر و سه پسر بودند که مجتبی بزرگ فرزند سوم آنان بود. ابوالحسن علوی از اعضای حزب دموکرات ایران بود، این حزب در آغاز مشروطه با نفوذ بیگانگان یعنی انگلیس و روس مقابله می کرد. ابوالحسن به عنوان بازرگان با آلمان معاملات تجاری داشت و در هنگام جنگ جهانی اول در این کشور اقامت داشت و پس از اتمام جنگ نیز آنجا ماند.

بزرگ علوی در نوجوانی به همراه برادرش مرتضی علوی جهت ادامه تحصیل روانه آلمان شد و دوران دبیرستان را در شهرهای مختلف گذراند. او در دوران اقامت در آلمان چند اثر ادبی آلمانی را به فارسی برگرداند. در سال ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ شمسی) پدر وی بعد از یک شکست بزرگ تجاری خودکشی کرد. یک سال پس از این اتفاق علوی از دانشگاه مونیخ فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۰۷ به ایران بازگشت. در آن زمان یک بورس تحصیلی برای

ادامه تحصیل در آلمان به وی تعلق می‌گرفت اما وی علاقه‌ای نشان نداد و در شیراز مشغول تدریس شد، در این شهر او کار ادبی را با ترجمه قطعه‌ای از آثار شیلر تحت عنوان دوشیزه اورلئان آغاز کرد. آقا بزرگ در آن سالیان قرار ماندن در یکجا نداشت و در شهرهای گوناگون در رفت و آمد بود، این سرگردانی‌ها و ناآرامی‌ها با استخدام برای معلمی در هنرستان صنعتی تهران پایان یافت، او در سال ۱۳۱۰ کار در هنرستان را آغاز کرد و در همین دوران به گروهی از روشنفکران سوسیالیست و به رهبری تقی ارانی پیوست.

یکی از ویژگی‌های زندگی علوی نزدیکی و محشور بودن او با صادق هدایت است. این داستان که از زبان خودش چنین آغاز می‌شود: «در دوران مدرسه ابتدایی که آقای غلامعلی فریور که یکی از رجال پاک و وارسته دوران ما است همکلاسی بودم. چون هر دوی ما کوتاه قد بودیم روی نیمکت جلوی کلاس پهلوی هم می‌نشستیم. این همکلاس بودن به دوستی انجامید.» وی سال 1307 به تهران آمد و کار تدریس را دنبال کرد. بزرگ علوی در همین سال‌ها با سه تن دیگر از جمله «صادق هدایت» گروه «ربعه» را تشکیل دادند و سلسله بحث‌های نوین ادبی را آغاز کردند.

بزرگ علوی در شهریور ۱۳۲۰ به اتفاق یاران همفکر خود از زندان آزاد شد و به فعالیت‌های حزبی پرداخت. وی کتاب «ورق پاره‌های زندان» را در ۱۳۲۰ و «پنج‌جاه و سه نفر» را در ۱۳۲۱ منتشر کرد. حوادث سیاسی داخلی بزرگ علوی را بار دیگر در سال ۱۳۲۷ به زندان فرستاد و این بار ۲ سال در زندان ماند. علوی در ۱۳۲۹ از زندان آزاد شد و در زمانی که کشور صحنه تلاش برای ملی کردن صنعت نفت بود، او نیز متأثر از سیاست روز در زمینه‌های گوناگون قلم زد. وی در همین سال‌ها برجسته‌ترین اثر هنری این دوره از نویسندگی خود یعنی داستان نیمه بلند «چشمهایش» را نوشت و در ۱۳۳۱ به چاپ رساند.

علوی پس از پیروزی انقلاب ۵۷، برای مدت کوتاهی به ایران بازگشت، لیکن دوباره ایران را به مقصد آلمان شرقی ترک نمود. علوی به علت سکنه قلبی در بیمارستان فریدریش هاین برلین بستری شد و سرانجام در روز یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۷۵ برابر با ۹ فوریه ۱۹۹۷ درگذشت.